

## بررسی و تحلیل شعر و نثر مهدی اخوان ثالث «م. امید»

مینا حفیظی، عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

### چکیده

مهدی اخوان ثالث از برجسته‌ترین شاعران معاصر و از پیشگامان شعر نو و از مبلغان نهضتی است که با نیما یوشیج آغاز شد و با احمد شاملو، فروغ فرخزاد و مهدی اخوان ثالث به اوج رسید. اخوان علی‌رغم آنکه تا پایان عمر از شعر کهن جدا نشد و حتی در آخرین مجموعه‌های شعری خود به سرودن شعر کهن روی آورد از مبلغان و حتی می‌توان گفت مبارزان شعر نو است او با نگارش مقالات متقن به شیوه‌ای اصولی و تخصصی یعنی تجزیه و تحلیل دستگاه عروضی نیما، بداع و بدعتهای او و اصولاً ساختار شعر نو به دفاع از موازین این سبک و مکتب نیما یوشیج پرداخت. به دیگر سخن اگر او نبود شعر نو هرگز راهی چنین هموار در برابر خویش نمی‌یافتد؛ از همین روی، اهمیت اخوان در ادب معاصر هم به سبب سرودهای اوست و هم آثار متاثر وی . مقاله حاضر که در سه بخش کلی زندگینامه، سبک و آثار نگاشته شده است، به بررسی موارد زیر می‌پردازد. در شرح احوال اخوان سیر گرایش او از موسیقی به شعر ستی و از آن به شعر نو و سپس برخی جنبه‌های هنری چون صداقداری فیلمهای سینمایی بررسی شده است. بخش سبک به اوج و فرود شعر اخوان و ساختار اشعار او از نظر قالب، زبان و محتوا و نظر او درباره عروض در شعر جدید فارسی اختصاص دارد. و بخش آثار مروری بر جنبه‌های شعری، مجموعه مقالات، نقدهای ادبی، داستانها و مصاحبه‌های اوست.

**کلید واژه‌ها :** شعر نو، سبک خراسانی جدید، وزن نیمایی، نوخسروانی، اسطوره، حماسه، شاهنامه، موسیقی

### مقدمه

اخوان در توس زاده شد؛ تاریخ ولادت او در شناسنامه ۱۳۰۷ش آمده، ولی به گفته‌ی خود وی زاد روزش ۲۶ اسفند ۱۳۰۶ش بوده است (اخوان، «یادی از گذشته»، ص ۵۴؛ نیز نک: کاخی، ص ۲۷، حاشیه). پدرش علی، که از یزدی‌تباران مقیم توس بود، به عطّاری اشتغال داشت (اخوان، همان‌جا؛ همو، «شناسنامه ...»، ص ۱۷). اخوان ثالث تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته فنی و حرفه‌ای) را در زادگاه خود به پایان رسانید. او در خمن تحصیل به فراغیری موسیقی نیز همت گماشت، چنان‌که افزوون بر آشنایی با دستگاه‌های موسیقی ایرانی تار را نیز نیک می‌نواخت (همو، «نخستین گام ...»، ص ۱۸-۱۹؛ «یادواره امید»، ص ۴۷۳). اماً چندی بعد به تشویق پدر به جای موسیقی به شعر پرداخت و به انجمن ادبی خراسان به سپرستی نصرت منشی‌باشی اصفهانی راه یافت و همو چون ذوق و استعداد اخوان را دید برای وی تخلص «امید» را برگزید (همو، «دیدار و شناخت ...»، ص ۶۱؛ «نخستین گام ...»، ص ۲۲؛ «نوپرداز خراسانی سرود»، ص ۱۵۵؛ «گزینش تخلص م. امید»، ص ۳۹۸).

اخوان در ۱۳۲۷ش به تهران آمد و در اداره‌ی فرهنگ روستاوی به عنوان آموزگار استخدام و در ورامین مأمور به خدمت شد. او در کنار کار معلمی به همکاری با مطبوعات نیز می‌پرداخت (همو، «گفت و شنودی ...»، ص ۴۵۰؛ مرزبان، ص ۳۷۴). در ۱۳۳۲ش برگزار‌کنندگان فستیوال شعر جوانان دموکرات موضوع صلح را به اقتراح گذاشتند و از میان سروده‌ها شعر اخوان با عنوان «دعوت» به تشخیص گروه داوران، از جمله نیما یوشیج و سعید نفیسی، برنده‌ی جایزه شناخته شد و از او برای شرکت در فستیوال جهانی صلح دعوت شد، اماً اخوان نتوانست در آن شرکت کند (همو، «از دریچه‌ای ...»، ص ۳۲۷-۳۲۹؛ بهبهانی، «راوی وضع ...»، ص ۵۵۲؛ جلالی پندری، ص ۴۴۶؛ قرایی، «چهل سال با اخوان»، ص ۵۷۳). او در تهران به فعالیت‌های سیاسی خود، که از مشهد آغاز شده بود، ادامه داد و رسماً به جرگه‌ی چپ‌گرایان پیوست. از

این روى، پس از کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش دستگير شد و حدود يك سال را در زندان سپری کرد. اخوان پس از رهایي تا پایان عمر با هیچ حزب يا گروه سیاسی همکاری نکرد (محمدی آملی، ص ۶۴) و چندی از خدمت معلمی محروم گشت، سپس به کاشان منتقل شد. اين انتقال که بيشتر نوعی تبعيد به شمار مى رفت، منجر به کناره‌گيری او از وزارت فرهنگ و بازگشت به تهران شد (قرابي، چهل و چند سال با اميد، ص ۵۵-۵۶). در تهران چندی با نامهای مستعار «توران»، «پرديس»، «قلندر» و ... مقالاتي اجتماعي و انتقادي و نيز داستانهايي برای مطبوعات مى نوشت (اخوان، «درباره هنر و ادبیات ...»، ص ۴۰۷، «يادواره ...»، ص ۴۸۹؛ جلالی پندری، همانجا). سپس در پي آشنایي با ابراهيم گلستان به «گلستان فيلم» پيوست (نك: گلستان، ص ۳۳۸-۳۴۰). اين همکاري سرآغاز دوره‌ي جديدی در زندگي شاعر بود (محمدی آملی، ص ۶۵).

او در مدت ۳ - ۴ سال بر صدایگذاری نزدیک به ۳۰۰ فیلم مستند نظارت کرد (گلستان، ص ۳۴۰). پس از آن در رادیو تهران مسئول برنامه‌های ادبی شد (اخوان، «چرا به جنوب رفتم»، ص ۱۲۶). در ۱۳۴۴ ش در پی اتهامی غیرسیاسی ۶ ماه در زندان به سر برد (گلستان، ص ۳۴۱-۳۴۴). در ۱۳۴۸ ش از اخوان برای کار در تلویزیون آبادان دعوت شد و او محمدی آملی، ص ۷۵). در ۱۳۴۸ ش از اخوان برای کار در تلویزیون آبادان دعوت شد و او تا ۱۳۵۳ ش در خوزستان زیست (محمدی آملی، ص ۸۶). اخوان پس از بازگشت به تهران به همکاری با تلویزیون ادامه داد (همو، ص ۸۸). در ۱۳۵۶ ش چندی به تدریس شعر دوره ساسانی و ادبیات معاصر در دانشگاه‌های تهران، ملی (شهید بهشتی فعلی) و تربیت معلم پرداخت. در ۱۳۵۸ ش در سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (فرانکلین سابق) مشغول به کار شد. اما از ۱۳۶۰ ش تا پایان عمر از همه مشاغل دولتی کناره گرفت (کاخی، ص ۲۹؛ محمدی آملی، ص ۸۹-۸۸).  
جامع علوم انسانی

در فوریه ۱۳۶۹ ش به دعوت «خانه فرهنگ آلمان»، دانشگاه لندن، آکسفورد و ... برای شرکت در شب شعر راهی اروپا شد و در مجالسی که به همین مناسبت در آلمان، انگلستان،

دانمارک، سوئد، نروژ و فرانسه برگزار می‌شد، حضور یافت. او اندکی پس از بازگشت از این سفر در ۴ شهریور ۱۳۶۹ ش در تهران درگذشت. پیکر وی را در ۱۲ شهریور در کنار آرامگاه فردوسی در توس به خاک سپردند (کاخی، ص ۳۰).

### سبک و سیاق و ساختار شعر اخوان :

برخی شعر اخوان را چون نموداری دانسته‌اند که از ۱۳۳۰ ش تا ۱۳۴۵ ش قوس صعودی داشته، اما اندک‌اندک سیر نزولی یافته است (نک: محمدی آملی، ص ۱۵). خوبی، بهبهانی و برخی دیگر نیز شعر اخوان را دارای فراز و فرودهایی می‌دانند و آنرا به سه دوره تقسیم می‌کنند: دوره‌ی اول، دوره‌ی آثار «ارغونونوار» که از نوجوانی آغاز می‌شود و با انتشار مجموعه‌ی *ارغونون* پایان می‌پذیرد. در این دوره یعنی از ۱۳۲۵-۱۳۳۱ ش اخوان زیر تأثیر شاعران مکتب خراسان توانایی خود را در سروden قصایدی به شیوه‌های کهن می‌آزماید (بهبهانی، «راوی وضع ...»، ص ۵۵۳-۵۵۴؛ خوبی، ص ۵۰۱؛ نیز نک: شمس لنگرودی، ص ۲۴۱ به بعد). و در غزل متاثر از شهریار است (شفیعی کدکنی، «تحلیلی از ...»، ص ۱۱). با این همه، اخوان هیچ‌گاه توفیق چندانی در غزل سرایی نیافت (نک: طاهبار، ص ۵۷؛ بهبهانی، همان، ص ۵۶۳). ارزش کارهای نخستین او در قصایدی است که به اقتفار استادان خراسان سروده بود – مثلاً «خطبه اردبیهشت» در استقبال از قصیده منوچهری (شفیعی کدکنی، همان، ص ۱۲؛ اخوان، *ارغونون*، ص ۱۳۲-۱۳۷). اخوان، افزون بر گذشتگان، در میان معاصران نیز چنانکه خود گوید: «چندین سرمشق» چون ایرج و بهار داشته است (اخوان، «من و زیان ...»، ص ۲۶؛ زرین‌کوب، ص ۹۹). هم در این دوره است که دیداری میان او و ملک‌الشعرای بهار روی داده و ملک قصیده او را تحسین کرده است (نک: بهار، ص ۱۵۱-۱۵۲).

دوره‌ی دوم از ۱۳۳۱ ش به بعد است که اخوان به شعر نو روی آورد (بهبهانی، همان، ص ۵۵۴). این دوره که دوره‌ی اصلی شعر اخوان و اوج شعر اوست با طبع آزماییهایی در قالب چارپاره

آغاز شد. او سپس به پیروی از نیما به شکستن وزن پرداخت (همانجا)، اما نه تنها زبان مکتب خراسانی را حفظ کرد که با تلفیق آن با قالب نیمایی (همان، ص ۵۵۳؛ دستغیب، ص ۲۵۰-۲۵۱) سبکی جدید در شعر نو به وجود آورد، چنانکه برخی او را پیشوای سبک خراسانی جدید در شعر معاصر دانسته‌اند (نک: شفیعی کدکنی، «از این اوستا»، ص ۹۰-۳؛ درباره‌ی ویژگیهای سبک خراسانی در شعر اخوان نک: پورنامداریان، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ حصوری، ص ۹۰-۱۱۲؛ فولادوند، ص ۳۰-۳۲؛ شفیعی کدکنی، همان، ص ۳۱۱-۳۱۲). فروغ فرخزاد هنر اخوان را در به کارگیری کلمات فحیم کهن در کنار واژگان متداول بدون ایجاد دوگانگی دانسته است («حرفهای پراکنده»، ص ۸۳).

دوره‌ی سوم کار اخوان، دوره‌ی بازگشت به گذشته و گرایش بیشتر او به قالب‌های سنتی شعر فارسی است (بهبهانی، همان، ص ۵۵۵). البته این بازگشت نه به دلیل روگردانی از سبک نیمایی بلکه از آن روست که اخوان در اواخر عمر سروden شعر به سبک کهن را با حالات روحی خوبیش سازگارتر می‌دیده است. مجموعه‌ی *تیرا ای کهنه بوم و بر دوست دارم*، حاصل کار اخوان در این دوره و یادآور *ارغونون* است (خوبی، همان‌جا). با این حال اگرچه این دو مجموعه به سبب پیروی از قالب‌های سنتی در یک مقوله جای دارند اماً به لحاظ سبک شعری همانند نیستند. شعر اخوان را به ویژه از نظر قالب و اسلوب نه زبان محتوا می‌توان نوعی تکامل شیوه نیمایی بهشمار آورد (زرین‌کوب، ص ۱۰۲). او اوزان نیمایی را با دقّت و انعطاف بیشتری به کار گرفته و چهار وزن تازه را بر آنها افزوده است (بهبهانی، «شبی که آینه ...»، ص ۱۵۵-۱۵۶). به اعتقاد اخوان همچنانکه شروع مصراجها در هر بحر همنوا و یک آهنگ است، پایان‌بندی آنها نیز باید بدین‌سان باشد (نک: اخوان، «نوعی وزن ...»، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ موحد، ص ۲۲۳-۲۲۴). وی وزن را چیزی از خارج تحمیل شده به شعر نمی‌داند، به گفته‌ی وی وزن همزاد و پیکره‌ی روحانی - جسمانی شعر است («وزن و قافیه»، ص ۴۱). او وزن را «فصل ذاتی» شعر خاص می‌داند، اما بر آن است که «قافیه ملازمت ذاتی با شعر ندارد» بلکه «به منزله قالبها و پیوندهایی برای

حفظ تعادل و توازن» آن است (همان، ص ۴۱-۴۲). اگر چه اخوان گاه به انتقاد از صنایع بدیعی پرداخته و رعایت آنها را به دور از «اللذاد طبیعی و شعری» دانسته است (مؤخره/ز/ین اوسنا، ۲۱۴) در سرودهای خویش از آن غافل نبوده و گاه به نوآوریهایی نیز در این زمینه دست یازیده که از جمله آنهاست: تشییه مشبه به همان مشبه مانند «خوابیده مهمل شب تاریک مثل شب» و نیز نوعی تشییه محسوس به معقول همچون «گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس» (حقوقی، ص ۳۶) و نیز آوردن وصفهای مشتق از موصوف برای همان موصوف، چون «سکوت ساکت» و «عدل عادل» (نک: شفیعی کدکنی، «تحلیلی از ...»، ص ۶۱) و همچنین به کاربردن صفت‌ها با فاصله‌ای چند از موصوف از جمله: «با چکاچاک مهیب تیغه‌هامان، تیز» که اگرچه در شعر نیما ساقیه داشته، در شعر امید با طرافت خاصی به کار رفته است (همان، ص ۶۱). افرون بر این، اخوان ترکیبات تازه‌ای نیز به حوزه ادبیات وارد کرده که از جمله آنهاست: «دژ آین قرن»، «شبینم آجین باغ» و «روزگار آلوو» (همان، ص ۶۰).

نکات زیر از ویژگیهای شعر اخوان است:

۱. بیان روایی - تمثیلی - اسطوره‌ای : نقل و روایت از مایه‌های اصلی شعر اخوان است. به همین سبب ناگزیر به توصیف نیز روی می‌آورد و گاه این توصیف با تصویر همراه می‌شود با این حال، نه توصیف و نه تصویر اساس شعر او نیست و شاعر در شعرهای روایی قدم فراتر می‌نهد و به تمثیل روی می‌آورد، زیرا عرض شاعر نقل و قایع نیست بلکه قصه و روایت وسیله‌ای برای بیان مسایل اجتماعی یا فلسفی است (زرین‌کوب، ص ۱۰۴-۱۰۷). گاه در برخی از شعرهای اخوان روایت شکل ساده خود را از دست می‌دهد و به تمثیل یا اسطوره تبدیل می‌شود؛ شعر «میراث» یک روایت تمثیل شده و «کتبیه» روایتی است که به اسطوره تبدیل شده است (براهنی، ص ۹۳-۳۹؛ نک: اخوان، آخر شاهنامه، ص ۹۲۸).

۲. لحن حماسی و پرصلابت: شعر اخوان رنگ ایرانی دارد (شفیعی کدکنی، «از این اوستا»، ص ۳۱۴). او در بسیاری از موارد واژگان خاص **تساهنامه** را به کار برده است و همین الft با **تساهنامه** سبب شده که اخوان از وزن و قالب و نیز مفاهیم و اندیشه‌های فردوسی بهره گیرد (rstegar fasiyi، ص ۲۶۴).

۳. توجه به موسیقی : اخوان به سبب آشنایی دیرین با موسیقی در سرودهای خویش توجهی خاص به موسیقی دارد. برخی چون بهبهانی معتقدند که پارهای از اشعار اخوان را کاملاً می‌توان گرتهداری از یک دستگاه موسیقی دانست. فراز و فرودهای وی در شعر یادآور فراز و فرودها در دستگاههای موسیقی است («راوی وضع ...»، ص ۵۶۴ - ۵۶۵). افزون بر نوخرسوانیها که از ابداعات اخوان براساس خسروانیهای اواخر دوره ساسانی منسوب به باربد جهرمی، سراینده و نوازنده بلندآوازه آن دوره است (همو، «شبی که آینه ...»، ص ۷۷؛ اخوان، «توضیحی درباره خسروانی و نوخرسوانی»، ص ۲۴۸)، و نیز فهلویات (بهبهانی)، «راوی وضع ...»، ص ۵۶۶)، اخوان طبع آزماییهای نیز در زمینه شعر و موسیقی داشته است، برای نمونه وی دو شعر «قولی در ابوعطای» و «قولی در سهگاه» را که وزن غیرعروضی و ایقاعی دارند (نک: پارسا، ص ۳۹۵)، احتمالاً به صورت تصنیف و ترانه سروده سپس آهنگی نیز برای آنها ساخته و جای درآمد و گوشه‌های مختلف را تعیین کرده است (بهبهانی، همان‌جا).

۴. طنز : اخوان در اشعار و نیز آثار منثور خویش گاه آگاهانه و زمانی ناخودآگاه بیان طنزآمیز دارد. برخی چون شفیعی کدکنی طنز را گریزگاهی برای کوشش‌های منجر به شکست و پناهگاهی برای نالمیدیهای اخوان دانسته‌اند («تحلیلی از ...»، ص ۳۸-۴۱). بیشترین نمونه‌های این نوع شعر اخوان را می‌توان در مجموعه ترا/ای کهنه بوم و بر دوست دارم، یافت. او در طنزها و گاه در قطعات می‌کوشید به زبان ایرج میرزا نزدیک شود، اما ویژگیهای زبان مکتب خراسانی و به کارگیری کلمات سنتگین و فحیم، مانع از کامیابی کامل او در این زمینه شده است (بهبهانی، «شبی که آینه ...»، ص ۱۵۶-۱۵۷).

شعر اخوان سیاسی - اجتماعی است (همان، ص ۱۵۳؛ شفیعی کدکنی، «از این اوستا»، ص ۳۰۹). او در سرودهای خویش مکرر به وقایع و حوادث سیاسی اشاره دارد. سور و هیجان مردم در سالهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش و نامیدی فraigیر پس از آن در اشعار اخوان انعکاسی روشن دارد (بهبهانی، همان، ص ۱۵۳-۱۵۴). او در «مرد و مرکب» به انقلاب سفید و در «قصه شهر سنگستان» به قیام مردمی پیش از ۲۸ مرداد نظر داشته است (اخوان، «مرشدی به گوشه شهر سنگستان»، ص ۲۴۲؛ همو، «از دریچه‌ای ...»، ص ۳۹۲). همچنین سوگنامه «توحه» و «تسلي و سلام» را به پیر محمد احمدآبادی (دکتر محمد مصدق) و شعر «خوان هشتم» را به غلامرضا تختی تقدیم کرده است (همو، «از دریچه‌ای ...»، ص ۳۵۴؛ «مرشدی به گوشه ...»، همان‌جا). با اینکه امید را شاعر شکستها و نامیدیها خوانده‌اند (زرین‌کوب، ص ۱۱۶؛ دریابندی، ص ۲۴۱؛ محمدی آملی، ص ۲۷۸)، برخی برآند که شاعر هیچ‌گاه نومید محض (نک: شفیعی کدکنی، «تحلیلی از ...»، ص ۲۸) نبوده است.

مأمن اخوان پس از ماجراهای ۲۸ مرداد، فرهنگ ایران باستان و حمامه‌های ملی است. او ناخشنود از روزگار خویش به ایرانی آرمانی می‌اندیشد که در آن زشتی و پلشتنی جایی نداشته باشد (خوبی، ص ۵۰۱ - ۵۰۲). و گاه در این امر به افراط می‌گراید. او کمال مطلوب خویش را در جمع میان مزدک و زردشت (مزدشت) می‌داند. مزدک برای او نماد برابری و آزادگی و زردشت مظہر راستی و نیکی است و آشتی میان این دو آشتی میان «اقتصاد و جامعه‌شناسی» به شیوه مزدکی با «اخلاقیات و اعتقادات به دنیای زیرین» به روش زردشتی است (نک: اخوان، مقدمه ترا ای کهن ...، ص ۸-۹؛ «مؤخره از این اوستا»، ص ۱۰۹، ۱۵۵). او زندیق را نیز بدین جمع افزوده است، البته چنانکه خود گوید مقصود وی از زندیق چیزی شبیه به رند حافظ است (همو، «مقدمه ترا ای کهن بوم و جر ...»، همان‌جا؛ درباره مزدشت و زندیق نک: شفیعی کدکنی، «اراده معطوف به ...»، ص ۲۷۳).

اگرچه برجسته‌ترین سرودهای اخوان اشعار اجتماعی، اوست، برخی از تغزل‌های زیبای وی را

نمی‌توان از نظر دور داشت (نک: زرین کوب، ص ۱۱۸). شعرهای تغزلی اخوان را می‌توان به دو دسته کهن و نو تقسیم کرد. شعرهایی که در قالب کهن سروده شده به سبک عراقی، متأثر از شهریار و آکنده از شور و احساس است و در میان آنها ابیات نفر نیز دیده می‌شود (نک: شفیعی کدکنی، «تحلیلی از ...»، ص ۱۱-۱۲؛ جلالی پندری، ص ۴۵۴-۴۵۵). دسته دوم اشعار غنایی اخوان است که در قالب نیمایی سروده شده و در آنها گاه احساسات شاعرانه با تفکرات فلسفی درآمیخته است (شفیعی کدکنی، همان، ص ۴۴-۴۷؛ جلالی پندری، ص ۴۵۵؛ زرین کوب، ص ۱۱۸-۱۱۹). شعر «سبز» و «نماز» از آن جمله است (جالالی پندری، همان‌جا؛ برای اینگونه اشعار نک: حقوقی، ص ۸۴-۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۷-۱۳۹، ۱۹۲-۱۹۳).

تسلط اخوان به ادب کلاسیک و جستجوی منظمه و پیگیر او در آثار پیشینیان از وی ادیب و محققی کامل ساخته بود. محققی که با استدلالهای دقیق و مستند در مقالات خویش، درستی دستگاه عروضی شعر نیما را به اثبات رساند. او از جمله نخستین کسانی بود که به دنبال ریشه‌های نظری شعر نو، به جای ادب مغرب زمین، در سبک‌ها و شیوه‌های سنتی شعر فارسی به جستجو پرداخت.

گذشته از این، او به شعر کهن فارسی نیز توجه داشت و در مقالات خویش به تحلیل اشعار کسانی چون فردوسی، حافظ، کمال الدین اسماعیل، صائب تبریزی و حزین لاهیجی پرداخته است. او همچنین شعر برخی شاعران هم‌عصر خود را چون شاملو، زهری، ابتهاج، حمیدی شبازی، عماد خراسانی، فروغ فرخزاد، سپهری و شفیعی کدکنی در مصاحبه‌ها و مقالات خویش تحلیل کرده است (برای نمونه این مقالات نک: «دیگرها و دیگران در چشم اخوان»، ص ۶۷۱ به بعد).

نظر اخوان به سبب درخشش شعرش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. او در نظر نیز چون شعر میان کهنه و نو پیوند برقرار ساخته بود. نظر اخوان گاه به نثر بیهقی، سعدی و قائم مقام فراهانی نزدیک می‌شود و گاه به هدایت و جمال‌زاده همراه با مایه‌هایی از بیان نقایان. او در

نشر نیز چون شعر واژه‌های کهن را در کنار کلمات و اصطلاحات عامیانه قرار می‌دهد. تلفیق این دو در شعر و نثر دو تیجه متفاوت در پی داشته است بدین‌سان که در شعر، آن را فاخر و پرصلاحت ساخته و در نثر بدان بیانی طنزآمیز داده است به ویژه که نثر او با چاشنی نقالی نیز همراه است (در این‌باره نک: جلالی پندری، ص ۴۵۸؛ درباره این نوع نثر اخوان نک: مؤخره‌از/ر این‌اوستا ذیل «وفور ضایعات و تلفات شعر در کشور ما»، ص ۱۳۲). زبان پر از طنز او که گاه در مقالات جدی وی نیز - مثلاً نقد اشعار سهراب سپهری - دیده می‌شود (نک: جلالی پندری، همان‌جا، اخوان، «درباره سهراب سپهری»، ص ۷۲۱-۷۳۰). افزون بر این، در نثر نیز چون شعر شیوه‌ای روایی دارد و گاه روایت در روایت نقل می‌کند؛ بدین‌سان که هنوز قصه و روایت نخست به پایان نرسیده، نکته و موضوعی تازه از راه می‌رسد. در نثر او اطناب بر ایجاز ترجیح دارد؛ از این‌روی، نباید فصاحت شعر امید را در نوشش جستجو کرد.

### آثار : آثار وی را می‌توان در موضوعات زیر طبقه‌بندی کرد :

#### الف - مجموعه شعر :

۱. /**رغنوون** : این اثر دربردارنده سروده‌های امید در قالبهای کهن شامل غزل (که بخش عمده آن را تشکیل می‌دهد)، قصیده، قطعه، رباعی، مثنوی و ترکیب‌بند است. اشعار این مجموعه در فاصله سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰ سروده شده و حاصل دوره جوانی اخوان و نخستین تجربیات شعری اوست. قصیده‌های «خطبه اردیبهشت»، «عصیان»، و «شب» از زیباترین سروده‌های این مجموعه است. خطبه اردیبهشت با ردیف «همی» قصیده‌ای استوار و حاکی از تسلط اخوان به زبان قدماست. /**رغنوون** نخست در ۱۳۳۰ ش در تهران به چاپ رسید؛ سپس شاعر آن را با تجدیدنظر و افزوده‌هایی از مجموعه‌های دیگر خویش در قالب شعر کهن در ۱۳۴۸ ش (تهران) مجدداً منتشر کرد.

۲. **زمستان** : از این مجموعه به بعد است که اخوان به شعر نیمایی روی می‌آورد و سبک او شکل می‌گیرد. نام این مجموعه نیز برگرفته از شعر معروف وی، «زمستان» است. نیمه نخست

کتاب تا شعر «زمستان» عرصه تلاش شاعر برای رسیدن به شیوه‌ای خاص است (بهمنانی، «شبی که آینه...»، ص ۱۶۷). او به تدریج از چارپاره‌ها به وزنهای شکسته می‌گراید (همان‌جا). از قطعه زمستان به بعد برخی از سروده‌های درخشنان اخوان چون «آواز کَرَک»، «چاوشی»، «باغ من» در این مجموعه جای دارد. مضامین شعرهای اخوان را نیز در این مجموعه از نظر تاریخی می‌توان به دو دسته قبل از شکست سیاسی ۱۳۳۲ش در تاریخ ایران و پس از آن تقسیم کرد؛ شعرهایی که م. امید پس از این تاریخ سروده قصه‌نامیدیهای اوست و در شعرهای قبل از این تاریخ شاهد میل به مبارزه و آزادیخواهی او هستیم (محمدی آملی، ص ۱۱۴-۱۱۵). این چنگ نخست در ۱۳۳۵ش به چاپ رسید سپس بارها تجدید چاپ شد.

۳. آخر شاهنامه: این مجموعه ادامه راهی است که بازمیستان آغاز شد و با اثر دیگر  
وی از این اوستا به اوج رسید. سی و چهار قطعه از سرودهای شاعر در فاصله سالهای ۱۳۳۵  
تا ۱۳۳۸ در این مجموعه جای دارد. نامیدی امید در این مجموعه نیز ادامه یافته و بر تمامی  
سرودهای آن سایه افکنده است؛ اما بی تردید میان اولین سروده شاعر در ۱۳۳۵ش و آخرین  
سرودهای او در ۱۳۳۸ش تفاوت‌های زبانی و معنایی آشکاری وجود دارد. محمدی آملی (همو، ص  
۱۳۲) اشعار این مجموعه را به سه گروه اجتماعی و سیاسی (با زبان تمثیلی)؛ تغزلی (با زبانی  
садه و پاک)؛ و وصف طبیعت با تصاویر زیبا تقسیم کرده است. اولین قطعه این مجموعه  
شعری با عنوان «نادر و اسکندر» است که شاعر در چاپهای بعدی پس از تغییری کوچک در  
ایات انتهایی آن، را با عنوان «کاوه و اسکندر» به چاپ رساند. بندهای از این شعر پیش از آنکه  
سردفتر آخر شاهنامه قرار گیرد در زمیستان به چاپ رسیده بود. مضمون بیشتر سرودهای  
این مجموعه سیاسی و اجتماعی است. جدا از آخر شاهنامه که درخشنانترین قطعه این  
مجموعه است و شاعر در آن علیه حقارت انسان در برابر تکنولوژی عصیان می‌کند، «پیغام»،  
«قادسک»، «میراث»، «نادر و اسکندر» و «غزل<sup>۳</sup>» از شعرهای خوب این مجموعه است. جز  
آنکه مضمون قطعه آخر تغزلی است و از جمله بهترین سرودهای تغزلی اخوان است. اخوان در

این شعر که در قالب نیمایی سروده شده با نگاهی متفاوت به عشق نگریسته و به جای توصیف

زمینی سیما و پیکر معشوق او را اینگونه خطاب می‌کند:

«ای تکیه‌گاه و پناهِ

زیباترین لحظه‌هایِ

پر عصمت و پرشکوهِ

نهایی و خلوت من»

این مجموعه نخست در ۱۳۳۸ش انتشار یافت.

۴. از/ین/اوستا : این اثر در بردارنده سرودهای شاعر در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴

است. شاعر در مؤخره این اثر از قصد خویش درباره انتشار مجموعه‌ای بزرگ از آثار خود (شامل قطعات آخر کتاب زمستان، تمامی آخر شاهنامه، تمامی از/ین/اوستا و برخی قطعات دیگر) با نام/ین/اوستا سخن گفته که چون موفق به انجام آن نشده این مجموعه را از این اوستا به معنای بخشی از/اوستای بزرگ خویش نام نهاده است (ص ۲۲۳). شعرشناسان این اثر را اوج کمال و پختگی شاعر دانسته‌اند (شفیعی کدکنی، «از این اوستا»، ص ۱۱؛ نیز نک: بهبهانی، همان، ص ۱۶۸-۱۶۹). در این اثر زبان امید معتدل‌تر شده و میان زبان و معنا هماهنگی دیده می‌شود (پورنامداریان، ص ۱۹). و حاصل آن مجموعه یکدستی است که در آن هر واژه در جایگاه درست خود قرار دارد (محمدی آملی، ص ۱۴۵). اخوان در این مجموعه سبک خراسانی را با زبان امروزین پیوند زده و از تلفیق آن دو سبک جدید خراسانی را به وجود آورده است و اوج این هنرمندی در شعرهای روایی اخوان در این مجموعه است (همان‌جا). مجموعه‌های بعدی شاعر هرگز به جایگاه از/ین/اوستا و نیز آخر شاهنامه دست نیافتنند. شاعر در ابتدای کتاب به جای مقدمه غزلی با ردیف «خویشم» آورده و در یکی از ایيات آن به کسانی که امید را شاعر نامیدیها خوانده‌اند این‌گونه جواب داده است:

من مرثیه‌گوی وطن مرده خویشم  
گویند که «امید و چه نومید!» ندانند

این مجموعه با شعر «منزلی در دوردست» آغاز می‌شود که مضمون آن پرسشی فلسفی درباره جهان پس از مرگ است. پس از آن قطعاتی آمده است که بیشتر آنها از معروف‌ترین سرودهای اخوان است، قطعاتی چون «کتبیه»، «قصه شهر سنگستان»، «مرد و مرکب»، «آنگاه پس از تندر»، «روی جاده نمناک» و «آواز چگور» که بالاصله پس از «منزلی در دوردست» آمده است، همگی از قطعات درخسان اخوان است. سرودهایی چون «سبز»، «نماز»، «پیوندها و باغ» و «ناگه غروب کدامین ستاره» نیز در این مجموعه جای دارد.

شعر «کتبیه» که با الهام از این مثل عربی «اطمع من قالب الصخره» شکل گرفته و اخوان نیز بر بالای شعر مثل را ذکر کرده است از زیباترین سرودهای اجتماعی - فلسفی اخوان است. یأس اخوان در این شعر فراتر از یأس فردی و یا اجتماعی (همو، ص ۱۴۷) و نوعی یأس فلسفی و بیان سرنوشت تراژیک انسان است در تکرار و توالی شکستها . او در این شعر انسان را با وجود تمام کوششهاش مغلوب جبر تاریخ دانسته است. این یأس فلسفی در سرودهایی که پس از «کتبیه» آمده چون «قصه شهر سنگستان» و «مرد و مرکب» نیز ادامه یافته است. یکی از ویژگیهای بارز شعر اخوان زیبایی و استحکام بند پایانی (قطع) است که شعر در آن به اوج می‌رسد؛ این ویژگی بخصوص در سرودهای روایی اخوان به‌سبب طبیعت روایت بیشتر دیده می‌شود، زیرا در روایت خواننده همواره منتظر پایان داستان است و پایان از اهمیّت خاصی برخوردار است. بندهای پایانی دو شعر «کتبیه» و «قصه شهر سنگستان» اوج هنر شاعری اخوان است. اما در میان سرودهای غیرروایی اخوان نیز قطعاتی از این نوع وجود دارد، قطعه عارفانه «نماز» که ابیاتی شطح‌گونه ختم می‌شود از این نوع است.

**از این اوستا** در ۱۳۴۴ش (تهران) منتشر شد و پس از آن چون آثار دیگر وی بارها به چاپ رسید .

**۵. نسکار** : این منظومه در قالب چارپاره در هفتاد و دو بند و ده فصل سروده شده است. بندهای این منظومه مساوی نیستند، فصل اول با بیست و یک بند بلندترین بند و فصل دهم

با یک بند کوتاه‌ترین فصل این منظومه است. شاعر در این منظومه به داستان یک شکار و توصیف دقیق صحنه‌های آن پرداخته است. این منظومه نیز چون دیگر آثار اخوان بن مایه‌ای سیاسی - اجتماعی دارد. **شکار** نخست در ۱۳۴۵ش (تهران) به چاپ رسید. از چاپهای قابل ذکر این منظومه انتشار آن همراه با مجموعه **زمستان** در ۱۳۷۱ش است.

**۶. پاییز در زندان** : این مجموعه چنانکه از نام آن نیز پیداست به اشعاری اختصاص دارد که اخوان در زندان یا اندکی قبل و بعد از آن سروده است و به تعبیری «حبسیات» شاعر است و با قصیده‌ای آغاز می‌شود که در آن اخوان ضمن شکایت از جهل مردم زمانه درباره عشق، زندانی شدن خویش را با مسعود سعد سلمان مقایسه می‌کند. «دستهای خان امیر»، «خان هشتم و آدمک» از سرودهای قابل توجه این مجموعه است. **پاییز در زندان** نخست در ۱۳۴۸ش (تهران) و سپس با تجدیدنظر و با عنوان **در حیاط کوچک پاییز در زندان** در ۱۳۵۵ش (تهران) به چاپ رسید.

**۷. عاشقانه‌ها و کبود** : این اثر چنانکه خود اخوان نیز درباره آن گفته، **جُنگی** از سرودهای «عاشقانه و غمگین» وی بدون مایه‌های روایی و داستانی است (نک: «شعر من با دل مردم»، ص ۱۹۹). **عاشقانه‌ها و کبود** در ۱۳۴۸ش (تهران) منتشر شد.

**۸. بهترین امید** : برگزیده اشعار و مقالات اخوان. این اثر در ۱۳۴۸ش (تهران) منتشر شد.

**۹. برگزیده اشعار مهدی اخوان ثالث** : تهران، ۱۳۶۹ش.

**۱۰. زندگی می‌گوید، اما باید زیست** : این منظومه شامل چند شعر بلند و کوتاه است در بحر رمل نیمایی. اخوان خود در مقدمه، این اثر را «یادگزاره منظوم» و «یادداشت‌هایی به نظم» خوانده و آنرا یادگار ایام زندان دوم خویش دانسته که باید همراه با چاپ نخست **پاییز در زندان** منتشر می‌شد (ص ۱۳۳) اما انتشار آن به تعویق افتاد. او در این مجموعه در زمینه سروden «نشر منظوم» (در برابر شعر منتشر) طبع‌آزمایی کرده است. و به سبب نوع شعر صور خیال در آن جایگاه چندانی ندارد (همان، ص ۱۳۴). این اثر نخست در ۱۳۵۷ش (تهران) انتشار یافت

و در چاپهای بعدی در مجموعه در حیاط کوچک پاییز در زندان به چاپ رسید.

**۱۱. دوزخ اما سرد** : در این اثر شاعر نو خسروانیهای خویش را نیز گنجانده و توضیحی چند صفحه‌ای در آغاز این نوع قطعات آورده است. اخوان در شعر «دوزخ اما سرد» که نام مجموعه نیز از آن گرفته شده است چون گذشته به زندگی و مرگ و جایگاه انسان نگاهی مأیوسانه دارد (محمدی آملی، ص ۲۱۶). این مجموعه نخست در ۱۳۵۷ش (تهران) به چاپ رسید، سپس به همراه زندگی می‌گوید اما باید زیست در چاپ دوم پاییز در زندان با عنوان در حیاط کوچک پاییز در زندان منتشر شد.

**۱۲. ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم** : این اثر که واپسین مجموعه شعری اخوان است و شاعر خود در مقدمه آن را «غزل خداحافظی» خوانده (ص ۱۱) به اشعار اخوان در قالبهای کهن (شامل غزل، قصیده، رباعی، قطعه، مثنوی، دوبیتی، ترکیب‌بند، نو خسروانی و تکبیتی) اختصاص دارد. این اثر نخست در ۱۳۶۸ش به چاپ رسید.

**۱۳. قاصدک (برگزیده اشعار)** : تهران، ۱۳۶۸ش.

**۱۴. گزینه اشعار مهدی اخوان ثالث** : تهران، ۱۳۶۹ش.

**۱۵. سرکوه بلند** (برگزیده اشعار) : به انتخاب مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۵ش.

## ب - نقد ادبی و مجموعه مقالات :

**۱. مجموعه مقالات** (جلد اول)، تهران، ۱۳۵۰ش، چاپ دوم همین جلد با عنوان *حریم*

سایه‌های سبز، تهران، ۱۳۷۲ش؛ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. بداعی و بدعتهای نیما یوشیج، تهران، ۱۳۵۷ش؛

۳. عطا و لقای نیما یوشیج، تهران، ۱۳۶۱ش، این دو اثر با عنوان بداعی و بدعتها و عطا و لقای نیما یوشیج همراه با ضمیمهای از مقالات دیگر وی در یک مجموعه در ۱۳۶۹ش (تهران) به چاپ رسید؛

۴. حربیم سایه‌های سبز (مجموعه مقالات)، جلد دوم، به کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ نقیضه و نقیضه سازان، به کوشش ولی الله درودیان، تهران، ۱۳۷۴ ش.

### ج - داستان :

۱. مرد جن‌زده (مجموعه ۴ داستان)، تهران، ۱۳۵۴ ش؛ ۲. درخت بیر و جنگل، اخوان آن را هنگام همکاری با تلویزیون آبادان در قالب مجموعه‌ای برای کودکان تهیه کرد سپس در ۱۳۵۵ ش (تهران) به صورت کتاب منتشر ساخت.

### د - گفتگو :

۱. گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث، تهران، ۱۳۶۸ ش؛ صدای حیرت بیدار (مجموعه گفتگوها و مصاحبه‌ها)، به کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۱ ش؛  
۲. گفت و گو با احمد شاملو، محمود دولت‌آبادی، مهدی اخوان ثالث، به کوشش محمد محمدعلی، تهران، ۱۳۷۲ ش. افزون بر این، مجموعه‌ای از گفتگوهای اخوان در یادنامه وی، ناگه غروب کدامین ستاره، تهران، ۱۳۷۰ ش به چاپ رسیده است.

### منابع

۱. اخوان ثالث، مهدی، آخر شاهنامه، تهران، ۱۳۷۰ ش؛
۲. همو، ارغونون، تهران، ۱۳۴۵-۱۳۴۸ ش؛
۳. همو، از این اوستا، تهران، ۱۳۶۸ ش؛
۴. همو، «از دریچه‌ای بر ادبیات امروز»، صدای حیرت بیدار (گفتگوهای مهدی اخوان ثالث، م. امید)، به کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۱ ش؛

۶. همو، «توضیحی درباره خسروانی و نوخسروانی»، [دوزخ، اما سرد] در مجموعه در حیاط کوچک پاییز در زندان، تهران، ۱۳۶۸؛
۷. همو، «چرا به جنوب رفتم»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع اخوان ثالث، «از دریچه‌ای ...»)؛
۸. همو، «درباره سه راب سپهری»، با غ بی برگی (بادنامه مهدی اخوان ثالث)، به کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۰؛
۹. همو، «درباره هنر و ادبیات»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع اخوان، «از دریچه‌ای ...»)؛
۱۰. همو، «دیدار و شناخت م. امید»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع)؛
۱۱. همو، «دیگران و دیگرها از چشم اخوان»، با غ بی برگی (نک: همین منابع، اخوان، «درباره سه راب ...»)؛
۱۲. همو، «زندگی می‌گوید، اما باید زیست»، در حیاط کوچک پاییز در زندان، تهران، ۱۳۶۸؛
۱۳. همو، «شعر من با دل مردم کار دارد»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع)؛
۱۴. همو، «شناسنامه شاعر»، بهترین امید، تهران، ۱۳۴۸؛
۱۵. همو، «گزینش تخلص م. امید»، با غ بی برگی (نک: همین منابع)؛
۱۶. همو، «گفت و شنودی با م. امید»، ناگه غروب کدامین ستاره، تهران، ۱۳۷۰؛
۱۷. همو، «مرشدی به گوشه عزلت نشست»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع)؛
۱۸. همو، «من و زبان در شعر»، بهترین امید (نک: همین منابع، اخوان، «شناسنامه ...»)؛
۱۹. همو، «نخستین گام در شاعری»، بهترین امید (نک: همین منابع)؛
۲۰. همو، مقدمه ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، تهران، ۱۳۷۰؛
۲۱. همو، مؤخره از این اوستا (نک: همین منابع، اخوان، از این اوستا)؛
۲۲. همو، «نوپرداز خراسانی سرود»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع)؛

۲۳. همو، «نوعی وزن در شعر امروز فارسی»، *بدایع و بدعتها و عطا و لقای نیما یوشیج*،

تهران، ۱۳۶۹ش؛

۲۴. همو، «وزن و قافیه»، *بهترین امید* (نک: همین منابع)؛

۲۵. همو، «یادواره امید»، *صدای حیرت بیدار* (نک: همین منابع)؛

۲۶. همو، «یادی از گذشته»، کلک، تهران، شهریور ۱۳۶۹ش؛

۲۷. براهنی، رضا، «پاره‌ای ملاحظات پیرامون شعر اخوان»، *نگاه غرروب کدامین ستاره*

(نک: همین منابع)؛

۲۸. بهار، مهرداد، «یادی و یادگاری»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۲۹. بهبهانی، سیمین، «راوی وضع زمانه گاه با ناله گاه با فریاد»، *نگاه غرروب کدامین*

*ستاره* (نک: همین منابع)؛

۳۰. همو، «شبی که آینه تب کرد»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۳۱. پارسا، ه، «آخر شاهنامه»، *نگاه غرروب کدامین ستاره* (نک: همین منابع)؛

۳۲. پورنامداریان، تقی، «در برزخ شعر گذشته و امروز»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۳۳. جلالی پندری، یدالله، «زندگی و هنر شاعری مهدی اخوان ثالث م. امید»، تک درخت

(مجموعه مقالات دوستان و دوستداران به محمدعلی اسلامی ندوشن)، تهران، ۱۳۸۰ش؛

۳۴. حصوری، علی، «شگفتار»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۳۵. حقوقی، محمد، *مهدی اخوان ثالث* (شعر زمان ما ۲)، تهران، ۱۳۷۰ش؛

۳۶. خوبی، اسماعیل، «یادواره امید»، *صدای حیرت بیدار* (نک: همین منابع)؛

۳۷. دریابندری، نجف، «اخوان، شاعر شکست»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۳۸. دستغیب، عبدالعلی، «شعر امید، مهدی اخوان ثالث»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۳۹. رستگار فسایی، منصور، «اخوان و فردوسی»، *باغ بی برگی* (نک: همین منابع)؛

۴۰. زرین‌کوب، حمید، «اخوان ثالث م. امید»، *نگاه غرروب کدامین ستاره* (نک: همین منابع)؛

۴۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا، «اراده معطوف به آزادی»، ناگه غروب کدامین ستاره (نک: همین منابع)؛
۴۲. همو، «از این اوستا»، همانجا؛
۴۳. همو، «تحلیلی از شعر امید»، همانجا؛
۴۴. شمس لنگرودی، محمد، «اخوان از آغاز تا دیروز»، ناگه غروب کدامین ستاره (نک: همین منابع)؛
۴۵. طاهیار، سیروس، «دیدار و شناخت م. امید»، صدای حیرت بیدار (نک: همین منابع)؛
۴۶. فرزاد، فروغ، «از یک نوشه»، ناگه غروب کدامین ستاره (نک: همین منابع)؛
۴۷. همو، «حرفهای پراکند».....، همانجا؛
۴۸. فولادوند، عزت‌الله، «ای بی کاروان کولی»، باعث بی‌برگی (نک: همین منابع)؛
۴۹. قرایی، یدالله، «چهل سال با اخوان»، ناگه غروب کدامین ستاره (نک: همین منابع)؛
۵۰. همو، چهل و چند سال با امید، تهران، ۱۳۷۰؛
۵۱. کاخی، مرتضی، «سالشمار زندگی اخوان»، باعث بی‌برگی (نک: همین منابع)؛
۵۲. گلستان، ابراهیم، «سی سال و بیشتر با مهدی اخوان»، باعث بی‌برگی (نک: همین منابع)؛
۵۳. محمدی آملی، محمد رضا، آواز چگور، تهران، ۱۳۷۷؛
۵۴. مرزبان، رضا، «با یاد آن یگانه»، باعث بی‌برگی (نک: همین منابع)؛
۵۵. منزوی، حسین، «دوستی با دوستی، شاگردی با معلمی»، باعث بی‌برگی (نک: همین منابع)؛
۵۶. موحد، ضیاء، «نقش اخوان در ثبیت شعر نیمایی»، ناگه غروب کدامین ستاره (نک: همین منابع) .